



روز جمعه ششم شهر شعبان المنظم موكب مسعودا حضرت شاه شاه صاحب حسن خلدانه ملكه و سلطانة از چمن سیروز کوه
 عزیمت منزل معروف کورنید فرمود از چمن سیروز کوه تا این منزل تقریباً چهار فرسخ است و خط راه در کنار رود است که
 از چمن کورنید و چمن شورستان بغیر از کوه آبی به تیمغرخ از آبادی فرود کوه گذشته و طرف بسیار در کوه دو بقعه بود
 و بقعه هالی این نواحی ما مراده بریم خواهر حضرت امام رضا علیه السلام در محل فون است تیمغرخ از اینجا گذشته چمن سیروز
 شورستان و گلرغانی است و چندین چشمه در طرف این چمن میباشد تیمغرخ دیگر که راه پیونده و بقعه و کوه نمایا
 که هالی آن دو بقعه را در فون و اما مراده در قریکه کند یا کند که تقریباً بیست خانوار رعیت دارد در حوالی این بقعه میباشد
 در دو فرسخی سیروز کوه دو سلسله جبال که خط راه از وسط آن میگذرد و یکدیگر نزدیک شده تنگه رو و جنوب تشکیل داده عرض
 آن بیست فرسخ و دو دست نخا قدم طول آن میباشد و این تنگه را تنگه سرازیر می نامند پس از خروج از تنگه تپه قوزکی است که
 برومی آن مار چهار برجی عظیم نمایانست و معلوم میشود که قرا و خانه بوده اراضی کورنید را هالی آفته مزروع نموده و در آنجا
 میلا میسینا میزند ارتفاع چمن کورنید از طهران هزار و صد فرسخ است

روز شنبه پنجم موكب معنی تشریف فرمای جاسم گردید راه دو فرسخ و در دره وسیع مستقیم بود که از مشرق مغرب امتداد
 و بعضی چشمه ها در طرفین دره دیده میشد در راه اسطوره کرده کوچکی بود موسوم بمرک سر این کرده حد فاصل خاک فرور کوه و اراضی
 دو دانگه نزار جریب ناز در آن میباشد از کرده گذشته شد از دامن جبال شمالی و جنوبی چشمه با جاری شده رودخانه تشکیل میدهد
 که زراعت طرفین او را مشروب میازد از زمین را اعمای فرور هالی سنکسک سمنان میباشد و در فصل تابستان کوه نمایی
 خود را در مراتع این نواحی را میسینا میزند هوای جاسم بسیار سرد و در اول مغرب میزان مکراره پائزده درج بالای صفر است ارتفاع

اینجا از شهران کثیرار و صد و پنجاه ذرع میباشد

یکشنبه هجدهم چمن خزه یا خزه مضرب خیم سپهر شام جایون گردید از جاسم تا خزه زیاد از پنجه است و پس از پنجه
راه تقریباً از راه آستران که از توابع سنکسک است دیده میشود سه چهار کرده که کوچک و بزرگ در راه است در یکدیگرانی آستران در
طرف شرق راه در این است که از آن بسنج رباط که در راه مازندران است میروند نیز در سه ذره شروع دیگر در اینجا دیده میشود
که بواسطه آب چشمه سار با مشروب شده و در زمین آن نیز ابالی سنکسک شاه میزرا و عثمان میباشد از آستران گذشته بعد از
صعود از کرده خالی موسوم بخرزجین حنک میباشند و پس از آن بگذرد چنگلو و کرده دیگر که مازندران در مکرگانه دارد معروف است
ابراہیم که بزعم ابالی فرزند حضرت موسی بن جعفر است علیه السلام اراضی خزه را نیز ابالی سنکسک زراعت مینماید و نامند
خزه از شرق مغربت و کوههای سمت شمالی آن متصل بود آنکه برار جریب و حال طرف شمال شرقی بود که اتصال دارد از ارتفاع
خزه از طهران هزار و صد ذراع است روز دوشنبه نوزدهم در چمن خزه اترق شد

روز سه شنبه بیستم موبک منصور خورشید و آن از منزل خزه تشریف فرمای فولاد مغلله که از قزاقی دود که مازندران است که در بند از
خزه تا فولاد مغلله شمساعت را نامست در کوههای طرفین راه درخت اورس غیره دیده میشود زیاد از پنجه خزه را که در چمن
مقی شده تنگه تنگ است که از آن از تنگه هم بسکونند قریه پور در نزدیکی تنگه است و در طرف دست چپ آن قزاقی هم و تلامحیم
کاورد و کلیم میباشد قریه پور و قزاقی مذکور تقریباً چهار صد خانوار جمعیت دارد از تنگه پور که گذشته چمن رسم رود بار
که از چمنهای بسیار بنزد قزاقی است ارتفاع این چمن نسبت بطهران نصد ذرع میباشد در آنستای این چمن در دست چپ
در طرف جنوب شرقی که از آن با جوان و عثمان میروند دیگری در سمت شرق که راه فولاد مغلله است چشمه باغ متعدد در چمن
رود بار است که اراضی خزه و حوالی را مشروب میسازد در میان راه رسم رود بار و فولاد مغلله چشمه های آب سرد دیده میشود
در کوههای طرفین راه اشجار جنگلی بسیار است قریه فولاد مغلله در ابتدای جلگه است که موسوم بسلطان میدانی میباشد آبادی
در بالای تپه واقع و تقریباً سیصد خانوار است یجاب حمام دود مسجد دارد و آخوند علمینی که از فضلا و علمای و است
مرح امورشعیه ابالی فولاد مغلله میباشد پیش از این آبادی فولاد مغلله در تنگه که در طرف غربی جلگه است بوده و اما از آن
قبولکننده آن آبادی بسوز نمودار است در قدرت زندیه آبادی از تنگه زبوره باین تپه که مصنوعی بنظر میاید مثل کرده
از قزاقی مذکور جلگه سلطان میدانی در فصل تابستان نگاه سلطان سنجور بوده و در آن آب و کور و غیره صید نموده است

و نه که لان آباد می لاد محله بروی آن واقعت دستی و مستوعی برای محل نزول آن پادشاه شکیلیه تیر کوبنده فواد می زمانانی خراسان
باین حیدر و بنامی این قریه را ناماده اند اموسوم فواد محله شده است در جگه سلطان میدانی عمومی است که آنرا نیز سلطان چمنی میسند
طول جگه سلطان میدانی و سلطان چمنی تاوزه سمت مغرب که خط راه سرخه در آنست تقریباً یکفرسخ و نیم میباشد ارتفاع فواد محله
از طهران پنصد و پنجاه ذرع است باجمله محمد ابراهیم خان سهام الدوله سرتیپ اول حکمران نازندان در تهنزل اشخاص مخصیله ذیل از اهل
نازندان بجاکای مبارک مشرف گردید

محمد علیخان زندانی هزار جریبی یوان یکی نازندان لطفعلی خان هزار جریبی سرتیپ چهارم محمد و میرزا از شاهزاده های نازندان فصل
سرتیپ سورتی قیب اند خان سورتی جعفر علیخان عبدالملکی عباستعلیخان سرتیپ سرخه اول قلیعلی خان هزار جریبی
روز چهارشنبه بیت و یکم شعبان موکب فرخنده کوکب شاهنشاهی ز فواد محله استاض فرموده توجیه ترن سرخه که گردید راه کرانه
خونک در دو طرف آن جبال سخت است پس از آنکه از سلطان چمنی خارج میزند در جبال خوبی در طرف سیاراه نمایان میشود
اهالی سمنان و اصفهان برای نازندان زمین دیده میباشد تیر از اینجا تقریباً تویه و در واره و سه که از توابع دهخانت میروند در طرفین خط راه چند
از توابع فواد محله بعضی مزارع کلی اهل تویه و در واره میباشد کتاب آنها از قووات است قریه سرخه که در دهستان کوه طرف شمال و
شمال چهل خانوار آباد است و در آبادی دیگر موسوم به بزده و اگر در آن حوالی است که اگر در یکیدان حاصله بالای تپه واقعه و حوضه
دارد و در کوه قریه مظهر است پشت کوه میباشد که پیدایت و کفرخ مسافت دارد و جزو هزار جریبی است ایام و با تین سرخه و در خارج
حوالی کم است ارتفاع سرخه از طهران سیصد و ششاد ذرع است هم در تیر و محمد ابراهیم خان سهام الدوله حکمران نازندان بجاکای
سرداری طاعت میر طلعت جایون ششمه وضع سرخه از کرد

روز چهارشنبه بیت دوم شعبان موکب معنی از سرخه و شریف های چشمه علی خوان کرد از سرخه تا چشمه علی تقریباً فرسخ است در فواد
بیشتری که از سرخه به طرف چشمه علی می رود و آب قلیلی دارد تقریباً یکفرسخ در طرف چمن است و از دو طرف تیر کوه های سخت است که
اندک اندک بهم نزدیک شده و دره را که خط راه در آن واقعت تنگ میباشد در سته نامی دره مزوره دو چشمه آب طرف سیاراه چاربت و صغری
بوار که بواسطه آن فی الجمله زراعتی در اینجا دیده میشود و مجرای و خانه شور فرور در اینجا است سیاراه می افتد و همه در طرف آن شکار کرده اند
در نزدیکی چشمه علی در طرف خوب شرقی دره ایست که قریه موسوم است آنرا در این ده واقعه است قریه است آن تقریباً صد خانوار سکنه و یکجا
سهام و بعضی غایت میوه اریل کوچ دره و آلو و کیکاس و آلو بالود و بلوغه و در قسمتی از آب چشمه علی که تقریباً است سنگت شود در ارضی است

شهر و بسیار چشمه می دره داشت که در طرف جنوب شمال که بسیاری غیر بر تفسیر شده و کوه اشکال آن متصل که چندی از زیر آن منتهی
 و تقریباً چهل سنگ آب از آن جاری می باشد بطرف استهبان و در آن میرود و خاقان علی شهبان صاحبش ملا شایه در سنه هزار و دویست و پنجاه که غزیت خراسان فرموده
 حکم جنایات و ستمی آنجا می نمود آن وقت که آن کمال خوبی بود هر موردی که بر آن می رفت و کوه چهار کوه که ظاهر است از آن این در آن سخاوت می
 ملائی خوشبو و شادمانه و در آن وقت که تخلص می نمودند در آن وقت که از آنجا که شرح چشمه می نمود که در سنه هزار و سیصد و پنجاه
 بحر می در جلده و در آن وقت که در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند
 چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند
 سابق فرانکه نامده و در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند
 نواب الاکت پوری موسوم بزینت و آن سبب و آن را خوانده اند آن بعلت آن برقرار کرده پادشاهی جوان الاکت پوری می باشد در آن سنه
 ماه نو بهر سال هزار و بیست و یک میلادی گذشته و در آن روز سنه هزار و بیست و یک در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند
 در حالی شدن فرادگت و چرخ زنده و کور و نماند از جدیدت که از فرانس مہاجرت نموده در شرقی بین سیاست دنیا چند کاهی در اسلام
 بودند آنجا که جستان از کرجستان ایران آمد در این ایام که در دو دیار خلافت نموده در آن طرف می نمودند چشمه می می نمودند در آن وقت که در آن طرف می نمودند
 و نامش را یکدیگر در دو دیار خلافت نموده و حضور جایون رسیدیم بار و دویستی احوال داشتند

و در روز شنبه بیست و چهارم که نیز در چشمه می تراق بود جواب آن مکارف از حضور مبارک بهار آن خلافت زده و صورت برده و فرار ذیل است

صورت مکارف نواب الاوک دوشار
 حضور مبارک می حضرت آید پس تا یون این موقع جسات از اطراف خویش اظهار می نمودند و فوسوس در آنجا می جایون عرض می کردند که اینها
 امید داری یعنی امید شرف بجای می مبارک که از مملکت ایران شدم و از بدینچی وقتی وارد شدم که موبک آید پس تا یون شریف فرماده اند
 از آنجا می حضرت آید پس تا یون چنین ستمی است که گفت نیز این دو خواه را در این مراتب بجز جایون منظور فرماید و ام این دولت
 از خداوند ستمت نیاید
 برت و اربان دوک دوشار

جواب می حضرت شایه ام کله
 نواب اشرف اعظم والا شانه زاده عاجده محترم فرانه نواب دوک دوشار تر اظهار فرمود
 و سخنان با رسیدن اظهار نامش نموده بود از عدم ملاقات در طهران من نیز کمال فوسوس دارم از اینکه شایه وقتی وارد شده بود که
 غزیت خراسان نموده بودیم و مکنش از ملاقات شما چنانکه مقتضی قلبی خود مان بود مخلوط تویم و سرور کردیم قبل از وصول اطراف شما
 من مراتب فوسوس دم را از عدم امکان ملاقات شما توسط جناب زار و خواجه شایه اظهار فرموده و جوابی صحیح مخرج شما شده بودیم که بطرف
 شما بیایم نموده آید و در آن طرف که توقف نواب الاوک کمال ایران است ادای از هر جهت موجود و الا خوش گذرد در هر قسم حساب آسایش
 ما حرام نواب شایه نمودیم تا هر قدر که ما چاه

در بطام نایع نیت
 صنیع الله و وزیر نظامت